ایستاده در طوفان

جانباز محسن مهدی آبادی:
به شهدا غذا نمی‌دهیم!

مرحلـه دوم عملیات بیت المقدس بود و ما در حال پدافند برای حفاظت از منطقه‌ی تصرف شده. اما از آنجایی که مسافتی طولانی را طی کرده بودیم، تعدادی از بچه‌ها کنار خاکریزها دراز کشـیده و اسـتراحت می‌کردند که در همین حال خمپاره‌ی دشمن به اطراف آنها اصابت کرد و تعدادی از دوسـتان شـهید و یا مجروح شدند و خونهای مطهرشان بر روی لباس‌های ما پاشید.

من همینطور که دراز کشیده بودم، شهید علی مردانی، فرماندهی گردان برای بازدید آمده بود و وقتی مرا به آن حالت دید فکر کرده بود که من هم شـهید شده‌ام، لذا درحالت خواب و بیداری احساس کردم دست ایشان روی شانه‌ام قرار گرفته و درحال خواندن حمد و سـوره و فاتحه می‌باشد، من هم به روی خود نیاوردم و ایشان هم پس از خواندن فاتحه رفتند.

پـس از مدتـی برای ما غـذا آورده و همه در صف ایسـتادیم، شـهید علی مردانی نیز مسـئول توزیع غذا بودند، ایشان تا مرا دید بـا چهره‌ای متعجب ولی خندان و بلند بلند گفت: ما به شـهدا غذا نمی‌دهیم.

گفتم: من لیاقت شـهادت نداشـتم. ولی او لیاقتش را داشت و من امروزها بارها برای شـادی روح او فاتحه می‌خوانم و یاد دلاور مردی‌هایش را گرامی می‌دارم.

***حسن شکیب زاده**

دعوت به همکاری از جانبازان گرانقدر دفاع مقدس

جانبازان شهیدان زنده دفاع مقدس و انقلاب هستند. سینه آنها صندوقچه اسرار و خاطرات گفتنی و ناگفتنی هاست. پس از حدود چهار دهه، امروز نسـل جدید تشنه و نیازمند شنیدن وقایع جنگ تحمیلی از زبان شاهدان زنده در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران هستند.

اگرچـه بسـیاری از این عزیـزان و بزرگواران جانبـاز بخاطر اخـلاص و دوری از شـائبه در مجاهدت فی سـبیل‌الله حاضر به بیان خیلی از این خاطرات نیستند، ولی نسل حاضر و آیندگان حق دارند از آنچه که به وقوع پیوسته، بدور از حاشیه پردازی و تحلیل و سانسـور، اطلاع پیدا کنند. اگرچه جریان مرموزی در کشـور و برخی دسـتگاهها مایل نیسـتند همه چیز گفته شود و متأسفانه تا حـد تحریف و دروغ هم پیش می‌روند ولی بعد از این همه سـال نگفتن و ننوشـتن این خاطرات منجر به تحریف در حقایق جنگ و دفـاع مقدس خواهد شـد. صفحه جبهه و جنـگ روزنامه برای استفاده از خاطرات جانبازان بزرگوار و عزیز و چاپ آنها در روزنامه اعلام آمادگی می‌کند و شـماره تلفنی را برای تماس و ارسـال از طریق پیام رسان‌های موجود اعلام می‌کند.

شماره ۰۹۱۲۳۸۱۵۱۰۸ برای تماس و شماره ۰۹۹۳۹۱۶۰۰۸۹ برای ارسال مطالب (ایتا و بله)

رمضان عسگری، پدر شهید ابراهیم عسگری:
او هنوز نفس داشت، اما من نه!

***حسن شکیب زاده**

پسـرم درجه‌دار ارتش بود و در لشـکر ۱۶ رزهی قزوین خدمـت می‌کـرد. روزهـای اوج انقـلاب، یعنـی همـان روزهایی کـه نیروهای ارتش رژیم، برای سـرکوب مردم و تظاهرکنندگان بـه خیابان‌ها آمدنـد، فرمانده پسـرم، به او دستور تیراندازی داده بود، اما او کـه با خدا بـود و از مردم، دسـتور را اجرا نکـرده بود و همین موضوع هم باعث شد، تا او را توبیخ کرده و به زندان پادگان روانه کنند.

بعد از آن، هرروز به پادگان مراجعـه می‌کـردم و سـراغ ابراهیـم را می‌گرفتـم، امـا، هربار با جواب‌هـای مختلف، مرا از پادگان دور می‌کردند، تا اینکه یـک روز، خیلی بی‌قرار پسرم شده بودم، جلوی لشکر ۱۶ زرهی رفتم و هرکسـی را که می‌دیدم، می‌پرسیدم: شما پسر مرا ندیده اید؟

آن روز تصمیم گرفته بودم که جواب پرسشم را پیدا کنم و خبری از پسرم به خانه ببرم. بالاخره یکی از افسران لشکر را دیدم که هم مرا می‌شناخت و هم پسرم را، زیادکه خواهش کردم، مرا به گوشه‌ای کشاند و گفت: پسـرت را به پادگان همدان تبعید کرده‌اند.

به سراغ پسرم که به همدان رفتم، انقلاب پیروز شـده بود و او هـم در همـان پـادگان ماندگار شد تا خدمتگذار نظام و پشـتوانه ملت انقلاب کرده باشد.

هنوز مردم بـه آرامش بعد از انقـلاب نرسـیده بودند که جنگ تحمیلی شـروع شـد، ابراهیم هم از همان روزهای آغازین جنـگ، بـه جبهه‌ها رفت تـا دین خود را به مردم، انقلاب و امام ادا نماید. ابراهیم سـالهای زیادی را در جبهه‌ها سپری کرد و در عملیات‌های مختلفی هم حضور داشت.

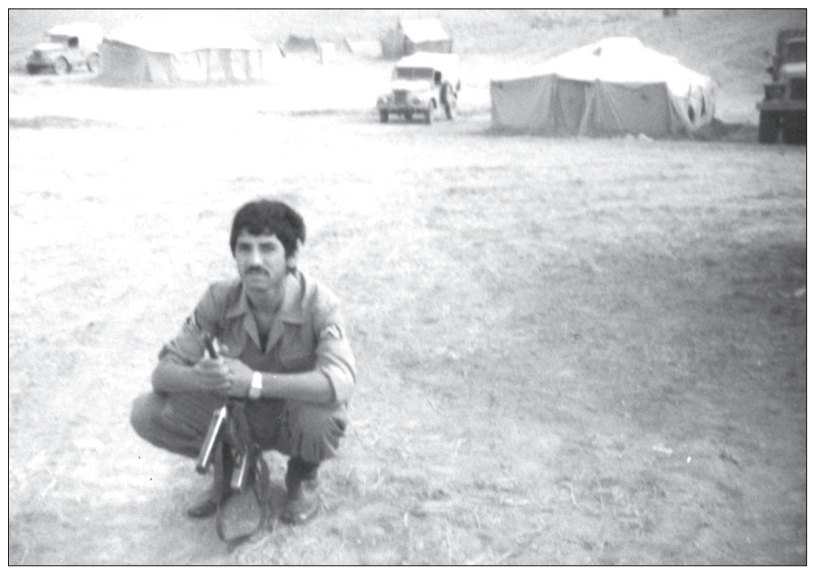

یـک روز تصمیـم گرفتیم برایش عروسی راه بیاندازیم، همه چیز تهیه کـرده بودیم، وسایل خریدیم، طلا، یخچال، تلویزیـون و خیلـی چیزهای دیگـر، اما هـرکار کردیم که راضی بشود، نشـد. می‌گفت: عروسـی و زندگی من جبهه اسـت، بگذارید جنـگ تمام بشود، بعد.

این گذشـت، آخریـن بار که بـه جبهه‌ها اعزام شـد با دوستش اکبر بود، مدتی هیچ خبری از او نداشـتیم، نگران شـده بودیم، یـک روز منزل بودم که صـدای درآمد، در را که باز کـردم اکبر بود، نگران به نظر می‌رسـید، یک لحظه همه‌ی دلم ریخت، پرسـیدم: ابراهیم کو؟

گفت او فردا می‌آید.

گفتم: راستش را بگو؟

توی صدایش، حس عجیبی بود، صدایـش می‌لرزید، همه چیـز را فهمیـدم، ولی جرات نمی‌کردم واقعیت را بپرسـم و بدانـم. او کـه مـرا نگران دید، ادامه داد: نگران نباشید، ابراهیم کمی مجروح شـده و در بیمارستان است و می‌توانید بروید او را ببینید.

دستپاچه شـده و پرسیدم: کجاست؟

گفـت: بیمارسـتان امـام رضای تهران.

او ایـن را گفت و من اصلا نفهمیـدم چه طـوری و کی رسـیدم تهران و بیمارستان را که پیدا کردم، نه وقت ملاقات بـود و نه اجـازه می‌دادند که پسرم را ببینم.

من به همراه برادرم بودم، خیلی گریه و زاری و خواهش کردیم، تا خلاصه اجازه دادند، او را از دور ببینـم، داخـل بخـش که شـدم، او را داخل اتاقـی بسـتری کـرده بودند که من فقط از پشـت شیشه می‌توانسـتم او را ببینم، البته نزدیک بود و دیدم که پشـت سرش زخمی بود و یک دست به بـدن نداشـت و پهلویش هم سوراخ بود، او هنوز نفس داشت، اما من نه!

من اصلا نمی‌توانسـتم از او دل بکنم، اما، دلم را کندند و مـرا از اتاق بیـرون کردند، سراسـیمه به قزوین برگشتم تا به اهل خانـواده و مادرش بگویم کـه پسـرمان حالش خوب اسـت، قرار گذاشتیم او را کـه به خانه آوردیم، قربانی بدهیم.

شـب را یک طوری صبح کـردم، آماده بـودم که بروم تهران و جویای درمان پسرم باشم، هنوز پایم را از در خانه بیرون نگذاشته بودم که تلفن زنگ زد، برادرزاده‌ام بود.

گفت: سـلام. گفتـم: چی شـده؟ گفت: نگـران نباش و خودت را برسان بیمارستان.

صدایش یک طـوری بود، ادامـه نداد و قبل از اینکه من چیـزی بگویم، تلفـن را قطع کرد و من در ادامه بوق تلفن، خود را به بیمارستان رساندم، چطوری‌اش بماند.

به بیمارسـتان که رسیدم، بـرادرزاده‌ام و دو نفر دیگر از بستگان آنجا بودند، اما کاملا به هـم ریختـه، تا پرسـیدم چه خبـر؟ جز اشـکهای کم طاقت‌اش چیزی ندیدم و من اگر چه می‌دانسـتم چه شـده اسـت، اما باز هم پرسیدم، تا اشکهایم اساسی جاری شود...

ابراهیم شب گذشته رفته و راحت شـده بود، گفتند: جنازه در پزشکی قانونی است.

سریع رفتیم آنجا و خلاصه پیدایش کردیم، از لشـکر هم آمده بودند، پیکر مطهر پسرم را تحویـل گرفتیـم و آمدیم قزوین.

پسرم تشـییع شـد، مردم آمدنـد و رفتنـد، مجالـس مختلف بر پا کردیم و وقتی به خود آمدم، دیـدم، هر چه که برای عروسی پسرم تهیه کرده بودیم، خـرج عزاداری‌هایش کرده‌ایم.

زنان جبهه جنوبی

آموزشگاه شستن

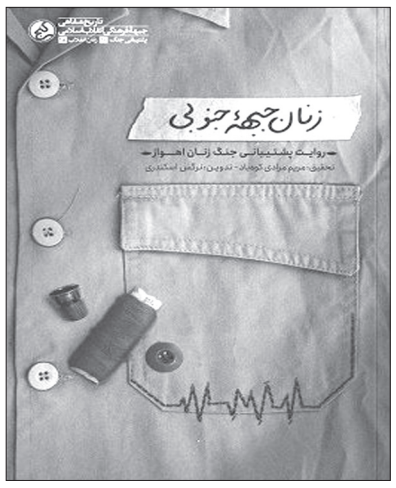

ابتدا برای شست و شوی لباس و بسته‌بندی آجیل و.... به خانه‌های اسـکندری و آل عمـران و آل رضا میرفتم. بیـن خانم‌ها صحبت از چایخانـه بـود. نمیدانسـتم کجاسـت و در آنجا چـه کار میک نند. پرسیدم:

– این چایخونه که می‌گید چیه؟ واسه چه کاریه؟

– سـتاد بی‌بی علم الهدی سـت. جای خیلی بزرگیه توش حوض داره و لباس‌های رزمنده‌ها رو اونجا میشورن. ترمیم هم میکنن.

–چه خوب. دوست دارم برم اونجا و با بی‌بی آشنا بشم.

– با چند نفر از خانمها جمع شـدیم و سـاعت هشت صبح به آنجا رفتیم. وقتی رسیدیم همه مشغول کار بودند. گفتیم:

– می‌خواهیم اینجا کار کنیم

خانم علم الهدی آمد و خودش را معرفی کرد به من گفت:

– تو خیلی سـنت کمه. نمیخواد لباسـهای خونی و شـیمیایی رو بشوری. تو آب کشی کن.

من اما به عشـق شـهدا رفته بودم و برایم مهم نبود. سیزده ساله بودم و همان جا لباس و ملحفه شستن را یاد گرفتم. چند روز که رفتم بی‌بی بهم گفت: دخترای جوون و هم سن خودت رو هم بیار.

حرفش را اطاعت کردم و چند نفر از دوستانم مانند نسرین قبیتی، زینت و الهام ترک زاده، عالیه آل رضا، مریم آل عمران را با خودم بردم.

***سیده نرگس آل عمران**
***تحقیق: مریم مرادی**
***تدوین: نرگس اسکندری**

*با شـروع جنـگ خانه‌های قدیمـی هر محله کـه گاهی محل برگزاری کلاسهای قرآن و روضه بودند، تبدیل به مکانهای پشتیبانی جبهه شـدند. در این خانه‌ها معمولاً کارهایی مثل پختن نان و کلوچه و غذاها، بسته‌بندی آجیل و دیگر مواد غذایی و همچنین از مدتی بعد، خیاطی و شسـت و شـوی لباس رزمندگان انجام می‌شد. خانه شهید اسـکندری واقع در خیابان سلطانی و نبش سلمان فارسی؛ خانه شهید آل عمـران واقـع در خیابان کمپانی و بین کافی و سـلمان فارسـی، خانه شـهید آل رضا در خیابان سـلمان فارسـی و نبش منصوری، از این خانه‌ها بودند که تا پایان جنگ در زمینه پشـتیبانی جبهه فعالیت می‌کردند.

آگهی تجدید مزایده عمومی به شماره ۱۰۰۲۰۰۱۰۳۲۰۰۰۰۰۱ (نوبت دوم)

شرکت آب و فاضلاب شیراز

شـرکت آب و فاضلاب شـیراز در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده عمومی ، بخشـی از پسـاب تصفیه خانه فاضلاب شـماره ۲ شـهر شـیراز(در ازاء بهره برداری از تصفیه خانه و پرداخت قیمت پسـاب)خود را به شرح زیر به خریداران واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا تحویل پیشنهاد ،از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم اسـت مزایـده گران در صورت عدم عضویت قبلـی، مراحل ثبت نام در سـایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شـرکت در مزایده محقق سازند

۱ محل بازدید: شیراز - تصفیه خانه فاضلاب شماره ۲

۲-شـرح مقادیر کالای مورد فروش : واگذاری میزان ۱۷۲۸۰متر مکعب بر شبانه روز پساب به مدت ۲۵ سال و تملیک منافع ۶۰۰۰ متر مربع زمین در محل تصفیه خانه (جهت احداث تاسیسـات تصفیه تکمیلی) به مدت ۲۵ سال به خریدار (مطابق با مدل مالی)در ازای بهره برداری از تصفیه خانه به حجم ۱۰۰۰۰۰ متر مکعب در روز به مدت ۲۵ سال وپرداخت بهای پساب

۳- محل اخذ اسـناد مزایده و تسـلیم پیشـنهادات: سـامانه سـتاد (سامانه تـدارکات الکترونیکی دولـت) علاوه بر ارائه تضمین شـرکت در مزایده در بسـتر سامانه ستاد، شـرکت کننده می‌بایست اصل تضمین را در یک پاکت مناسب با عنوان پاکت "الف" قرار داده و لاک و مهر نماید. روی "پاکت الف" ، عنوان و موضوع مزایده، نام و مشـخصات شرکت کننده، ذکر گردد و طبق برنامه زمانی اعلام شده به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب شیراز به آدرس شـیراز- بلوار شهید آیت اله ربانی- نبش کوچه ۱۷ - اداره مرکزی شرکت آب و فاضلاب شیراز - تلفن ۸-۳۲۲۸۱۱۵۶-۰۷۱ تحویل دهند.

۴- برآورد اولیه : اعلام نمی گردد

۵ - زمـان انتشـار آگهـی در سـامانه سـتاد: سـاعت ۹ روز شـنبه ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

۶ - تاریخ شروع فروش اسناد مزایده : ساعت ۹ روز شنبه ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

۷- تاریـخ نهائـی فـروش اسـناد مزایـده : تا سـاعت ۱۳ روز چهارشـنبه ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

۸- تاریـخ نهائـی ارسـال پیشـنهاد قیمـت : تـا سـاعت ۹روز شـنبه ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

۹ - تاریخ بازگشایی : ساعت ۱۰روز شنبه ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

۱۰ - بـه مدارکـی که فاقد امضاء، مشـروط، مخـدوش و مدارکی که بعد از انقضاء مدت مقرر در این آگهی واصل شـود مطلقـاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۱ - مبلـغ و نوع تضمین شـرکت در مزایده (ودیعـه): (۰۰۰ ۰۰۰ ۶۱۸ ۲۲۱) (دویسـت و بیسـت و یک میلیارد و ششـصد و هجـده میلیون ریـال) به صورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی به حساب سیبا شماره ۴۰۰۱۱۱۴۳۰۷۱۴۴۸۳۲ بانک مرکزی به نام حساب تمرکز وجوه سپرده نزد خزانه شرکت آب و فاضلاب شیراز

۱۲ - قیمـت اسـناد: ۰۰۰ ۰۰۰ ۵ ریـال کـه بایـد بـه حسـاب شـماره ۰۱۰۵۶۹۹۰۲۲۰۰۴ بانک ملی شـعبه مرکزی شـیراز به نام شـرکت آب و فاضلاب شیراز واریز گردد.

۱۳ - سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده درج شده است.

۱۴ - نام و نشـانی فروشـنده : شیراز، بلوار آیت اله ربانی، نبش کوچه ۱۷- شرکت آب و فاضلاب شیراز

وب سـایت جهـت اطلاعـات بیشـتر آگهـی مزایـده www.nww.ir, www.setadiran.ir http://iets.mporg-ir www.abfa-shiraz.ir می‌باشد.

متقاضیانـی که مایل به شـرکت در مزایده می باشـند ، مـی توانند با اعلام آمادگـی کتبـی و واریز وجه اسـناد در وجه شـرکت آبفا شـیراز ، نسـبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

با توجه به ابلاغیه سـازمان صنعت،معدن و تجارت به شـماره ۴۱/۳۳۳۴۵ مورخ ۹۳/۱۰/۳۰ در خصوص الزام بکارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سـتاد) ، ، معاملات منـدرج در آیین‌نامـه فعالیت سـامانه تـدارکات الکترونیکی دولت، منحصرا در بستر سامانه ستاد انجام خواهد پذیرفت. لذا ضروری است، در سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir نیز عضویت داشته و پیشنهاد خود را از طریق این سامانه اعلام نمایند.

اطلاعـات تماس سـامانه سـتاد جهت انجـام مراحل عضویت در سـامانه: مرکـز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱دفتر ثبت نـام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷. اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سـایر اسـتان ها، در سـایت سـامانه ستاد www.setadiran.ir موجود است.

شرکت آب و فاضلاب شیراز

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت تولیدی صنایع سفال طبرستان (سهامی خاص) به شماره ۲۳۳ ثبت گلوگاه و شناسه۱۰۷۶۰۰۵۱۷۱۴

احتراماً ؛ بدینوسیله از کلیـه صاحبان سـهام در شـرکت تولیدی صنایع سـفال طبرسـتان (سـهامی خـاص) بـه شـماره ۲۳۳ ثبـت گلوگاه و شـماره شناسـه ۱۰۷۶۰۰۵۱۷۱۴ دعوت بعمل میاورد تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شـرکت تولیدی صنایع سـفال طبرستان (سهامی خاص) که راس ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشـنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۸ در محل کارخانه واقع در استان مازنـدران - شهرسـتان گلوگاه - بخش کلباد - دهسـتان کلباد شـرقی - ابادی مهدیرجـه - محلـه مهدیرجـه - خیابان اصلـی -خیابان ولی عصـر - پلاک صفر - طبقه همکف کد پستی ۴۸۶۴۱۳۱۳۱۵ تشکیل میگردد حضور بهمرسانند٠

دستور جلسه

۱ - انتقال سـهام مرحوم محمد نقی کاشانی مطلق به ورثه بر مبنای تائید مصوبه هیئت مدیره

۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی بطور فوق العاده باشد٠

رئیس هیئت مدیره
چنگیز افشار

آگهی تجدید مناقصه شماره ۱۴۰۲/۱۰ (مرتبه اول)

شرکت مخابرات ایران (سهامی عام) منطقه فارس

(یک مرحله‌ای از طریق ارزیابی کیفی)

شرکت مخابرات ایران - منطقه فارس در نظر دارد نسبت به اجرای ۲۰ سایت موبایل شامل اجرای فونداسیون، نصب و جمع آوری دکل، نصب و جمع آوری تجهیزات بر اسـاس مشـخصات موجود در اسناد ودسـتورالعمل هـای اجرایی از طریـق مناقصه عمومی اقـدام نماید. لذا از کلیه اشـخاص حقوقی واجد شـرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید.

متقاضیـان جهـت کسـب اطلاعـات بیشـتر بـه آدرس‌هـای WWW.TCI.IR و FA.TCI .IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی مخابرات منطقه فارس

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی

۱ – دسـتگاه مناقصـه گـزار: شـرکت آب منطقـه ای لرسـتان (شـماره شـبای IR۶۴۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۱۱۴۱۴۴۱۱۱۳۰۸ بانک مرکزی) با کد اقتصادی ۴۱۱۱۶۳۴۵۱۹۸۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۰۵۷۳۰

۲ – موضوع مناقصه: کارهای تکمیلی ایستگاه پمپاژ و شبکه آبیاری تحت فشار نواحی ۱ و ۵ دشت جایدر شهرستان پلدختر

۳ – برآورد : ۹۰۳/۵۱۶/۹۰۲/۲۹۷ ریال

۴ – مبلغ تضمین شـرکت در مناقصه: ۲۶/۷۷۱ میلیون ریـال بصورت ضمانت نامه بانکی و ارائه اصل آن قبل از بازگشایی پاکات به دفتر حراست وامور محرمانه شرکت الزامی میباشد.

۵ – رتبه ورشته مورد نیاز: حداقل ۴ آب

۶ – مدت و محل اجرا: ۲۴ ماه- شهرستان پلدختر

۷ – تاریخ توزیع اسناد: ۴/۶/ ۱۴۰۲لغایت ۱۴۰۲/۴/۱۱

۸ – آدرس و شـماره تمـاس جهـت تهیـه اسـناد مناقصـه: شـرکتهای واجـد شـرایط جهـت دریافـت فایـل اسـناد بـه سـامانه تـدارکارت الکترونیکـی دولت (سـتاد) بـه آدرس WWW.SETADIRAN.IR یا به نشـانی لرسـتان- خرم آباد -انتهای بلوار ولیعصر (عج) شرکت آب منطقه‌ای لرستان مراجعه نمایند. تلفن تماس:۰۶۶۳۳۲۴۰۰۰۹

۹ - ارائه گواهی صلاحیت و آخرین تغییرات روزنامه و اساسنامه و صورتهای مالی حسابرسی شده و... الزامیست.

۱۰ - دستورالعمل شماره ۹۴/۱۵۸۷۶۴ مورخ ۹۴/۷/۱۳ در خصوص تعیین دامنه قیمت های متناسب پیشنهادی در این مناقصه لحاظ می گردد.

۱۱ - پیمانکاران می بایست گواهی صلاحیت ایمنی از اداره کار راداشته باشند.

۱۳ – تاریخ ارسـال پیشنهادها: شرکتها نسبت به ارسال پیشنهادات خوداز طریق سامانه ستاد تاپایـان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۴اقدام نمایند.بازگشـایی پاکات درتاریخ ۱۴۰۲/۴/۲۵ راس ساعت ۱۰صبح خواهد بود.

روابط عمومی شرکت آب منطقه ای لرستان

شرکت تعاونی مسکن کارکنان بانک توسعه صادرات ایران (درحال تصفیه)
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه «نوبت اول»

تاریخ انتشار : ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول این شرکت تعاونی که راس ساعت ۱۴:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۵ در محل سـاختمان مرکزی بانک واقع در میدان آرژانتین خیابان احمدقصیر نبش خیابان پانزدهم تشـکیل می‌شـود حضور بهم رسانند.

به استناد آیین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی و دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات :

- درصورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسـر نباشـد، می‌تواند حق‌حضور و اعمال رای از سـوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود - از میان اعضاء و یا خارج از اعضاء - واگذار نماید، در اینصورت هر عضو می‌تواند(علاوه بر رای خود) نمایندگی حداکثر سـه عضو را پذیرفته و هر شـخص غیر عضو نیز می‌تواند صرفاً نمایندگی یک عضو را داشته باشد.
- حضور توام عضو و نماینده وی در مجمع ممنوع است.
- برگه‌های نمایندگی مزبور (تصویر ضمیمه) با امضاء عضو و نماینده تام‌الاختیار معتبر خواهد بود.
- بررسی اصالت برگه‌های وکالت از تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ (یکروز قبل از برگزاری مجمع) ، توسط ناظر و نماینده هیات تصفیه تعاونی در محل دفتر تعاونی انجام خواهد شد.
- رعایت پروتکل‌های بهداشتی و همراه داشتن ماسک در جلسه الزامی است.
- داوطلبان تصدی هیات تصفیه و ناظر موظفند حداکثر ظرف مدت پنج روز پس از انتشـار این آگهی، درخواسـت کتبی خود را مطابق فرم پیوسـت ، تکمیل و به همراه مدارک لازم به نماینده هیات تصفیه (آقای زهری) تحویل نمایند.
- جلسه مجمع با حضور اکثریت (نصف بعلاوه یک) اعضا تعاونی و یا نمایندگان تام الاختیار آنها رسمیت می‌یابد.

دسـتور جلسـه : ۱ - استماع گزارش هیأت تصفیه و ناظر. ۲ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورتهای مالی سال ۱۴۰۱. ۳ - تصمیم‌گیری در خصوص اعطا مجوز به هیات تصفیه تعاونی جهت توافق و یا مصالحه و یا بخشـش همگی و یا هر یک از متهمین پرونده قضایی و همچنین سـایر اقدامـات در جهـت حل و فصل کامل موضوع/موضوعات قضایی تعاونی. ۴ - انتخاب روزنامه رسـمی. ۵ - انتخاب هیات تصفیه و ناظر تصفیه و تمدید مدت تصفیه. ۶ - طرح و تصویب کارمزد هیات تصفیه و ناظر تصفیه طبق ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون بخش تعاون.

هیات تصفیه